دامن كشيدنِ فرهنگ‌سازي از نظام تربيتي: آثار كرونا بر درك ارزش ساختارها!

دكتر نعمت‌الله موسي‌پور[[1]](#footnote-1)

**چكيده**

فرهنگ‎سازی پدیده‏ای تربیتی و دارای سابقه طولانی است. نخستین متفکران تجددگرای ایران، باور داشتند که طریق رستگاری ایرانیان، فرهنگ‎سازی است که بنیاد آن بر «باور به اراده و اختیار شخص» و «ضرورت افزایش دانایی فرد برای عمل» قرار داشت. اختیار یک واقعیت حیات فردی و آگاهی یک مؤلفه انتقالی از تجربه جمعی است؛ که حامل آن، نظام آموزشی است. این بود که توسعه مدارس و دانشگاه‌ها در ایران از ابتدای قرن چهاردهم شمسی رونق گرفت. چنین تصور می‎شد که آگاهی با اختیار درهم می‎آمیزد و عمل شخص را شکل می‎دهد. ایجاد شرایط تحقق عملِ مورد انتظار، فرهنگ‎سازی نام گرفت؛ پدیده‎ای که رنگ تعلق می‎پذیرفت. یعنی می‎توانست برآمده از «باستان‎گرایی قومی» یا «آینده‎گرایی دینی» باشد. همین ویژگی اخیر سبب شد در دهه چهل و پنجاه شمسی، هم مردان شاه به‌عنوان حکومت مستقر و هم مردان انقلاب به‌عنوان بدیل آن، در یک اعتقاد همانند باشند: «فرهنگ است که جامعه را می‎سازد».

 اهمیت آموزش و پرورش به این دلیل است که تصور می‎شود می‎تواند با مدیریت تربیت بیرونی، به دانایی اشخاص شکل دهد؛ هرچند که تجربه تاریخی بشر و تلاش‎های پیامبرانه، توفیق آن را نشان نمی‎دهد. حاصل این شکل‎دهی، تحقق نوع خاصی از «فرهیختگی» است؛ که منتهی به تشخیص موقعیتی عمل می‎شود. این همان موضوعی است که «انقلاب‎ها» به آن دل سپرده‏اند. انقلاب‎ها اصولاً با ساختارها سازگاری ندارند و آنچه در ایران انقلابی رخ داد هم در خدمت آن بود که ملت «انقلابی باشد».

 فرهنگ‎سازی، که دارای جلوه‎ای اغواکننده است، به دلایل متعددی در تمام سطوح جامعه انقلابی ایران طی چهار دهه گذشته گسترش یافت و همگان آن را باور کردند. چنان شد که برای حل هر مسئله‎ای، از طولانی شدن دادرسی در دادگاه تا جرم کردن رانندگان در آزادراه، یک راه‎حل مطرح بود: «باید فرهنگ‎سازی شود»! همین بود که وقتی از افسر راهنمایی و رانندگی در کلان‎شهر تهران پرسیده می‎شد: چگونه می‎توان وضع رانندگی را در جامعه بهبود بخشید، جواب این بود: باید فرهنگ‎سازی شود؛ و اگر همین پرسش از یک والد بی‎سواد در دوردست شهرهای بزرگ هم پرسیده می‎شد که تنها تجربه‎اش از رانندگی مردم، بوقی بود که کامیونی برای دورکردن گوسفندانش از مسیر جاده به صدا درآورده بود، او هم می‎گفت: باید فرهنگ‏سازی شود!

 فرهنگ‎سازی طی سه دهه گذشته رمز عملیات روانی و حتی عملی علیه آموزش و پرورش و معلمان معجزه‎گر آن شد که با جانفشانی، بذر دانایی را در جان ملت می‎کاشتند و زنده نگه می‏داشتند. با ذکر این مصیبت، بر تن این مجموعه خدمت، چه ضربه‎ها که زده شد! اصرار بر این بود که «تربیت صحیح»، اگر باشد، عمل درپی آن است! و سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی، سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت و فرهنگ است.

 اعتقاد به فرهنگ‎سازی با تمرکز بر «اختیار عمل» دنبال می‏شود و با ساختار مغایرت دارد. ساختارها، مجموعه‎ای از قواعد و اصول حاکم بر عمل اجتماع هستند که بر بنیادی توافقی یا تحمیلی شکل می‎گیرند اما به طور جدی از استمرار خود محافظت می‎کنند و بازتولید می‎گردند. ساختارها در قامت کلی حکومت با قوای مستقل یا نامستقل تبلور می‏یابند و تبعیت از آنها راهی برای زیستن در آنهاست. آنها تعیین حقوق و حدود می‏کنند و خود حامی بالفعل خود هستند. ساختارسازی در مقابل فرهنگ‎سازی قرار دارد و مانع اصلی تحقق انسان دارای عمل متکی بر تشخیص شخصی است. کسی در درون ساختارها، «به اختیار» نیست؛ بلکه عنصری از یک کل سازمان‎یافتة هدفمند است که برای بودن آن، تعریفی وجود دارد و برای عمل آن، تحدیدی! شخص، جزیی از کل است که هرگونه خروج او از ساختار، جهانی را به «آشوب» می‎کشد.

 نحوه عمل «ویروس کرونا» در عصر ما، آشکار ساخت که چگونه هیچ عملی در این جهان، بی‎ارتباط با سایر رخدادها و پدیده‎ها نیست! آنچه بیش از یک قرن توسط متفکران سیستمی بیان می‎شد، اکنون به شکل عملی تحقق یافت تا ذهن عینی‎گرای بشر، به فهم آن نائل آید و باور کند که فرهنگ‎سازی بنیادی برای عمل آزاد و تشخیصی ایجاد می‎کند و در عصری دارای حرمت است که هر شخص بتواند عمل خود را تعریف و بدون عنایت به پیامد آن بر دیگری، بگوید: «من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش»! اکنون هر بودنی بر بودن‎های دیگر مؤثر است. نیک و بد همه اعضای اجتماع به‌هم آمیخته است. اینجاست که دیگر نمی‎توان به توان تربیت برای فرهنگ‎سازی اکتفا کرد و لازم است حکومت به ساختارسازی اقدام نماید. البته فرهنگ‌سازی برای گروه‎هایی اندک از جامعه که در سطحی خاص از اعتلای شخصی عمل می‎کنند، دارای نقش اساسی است ولی در یک جامعه، سرنوشت همه اشخاص به‌هم پیوسته است. عمل هر یک بر همگان تأثیر می‎گذارد. کرونا به روشنی این پدیده مهم اجتماعی را آشکار کرد که «هم‎سرنوشتی» و «طوفان‎سازی اثر ذره‎ای» در اجتماع بشری به چه معناست. اکنون این ویروس ناپیدای نوپدید بنیان‎افکن اجتماعات بشری، از عیش و شادی تا وفات و سوگواری عزیزان، به ما آموخت که در ظهور عملِ مناسب، ساختارهای اجتماعی دارای نقشی بیش از تربیت فردی هستند. فرهنگ‎سازی تنها می‎تواند به افزایش آگاهی از حقوق و حدودی اقدام کند که با ساختارسازی به تعیین آنها اقدام شده است.

1. - استاد برنامه ريزي درسي دانشگاه فرهنگيان. [↑](#footnote-ref-1)